

من حشمت اله ایمانی

متولد ۱۳۴۶ خرم آباد

دبستان رو دزفول (خوزستان)، راهنمایی رو کردند (کرمانشاه) و دبیرستان رو اسلام آباد (کرمانشاه) گذروندم، با تجربه جنگ و بمباران های سنگین و پیوسته شهرهایی که توشون زندگی میکردیم

زمان جنگ پدافندی بودم و وظیفم پیشگیری از بمباران صنایع نفت و گاز و مخابرات

سالها بعنوان تکنسین معماری و سازه مشغول کاری لذتبخش بودم. یکی از بهترین تجربه هام کار در مهندسین مشاور "باقت شهر" بود! و کار روی پروژه هایی نظیر پارک جمشیدیه تهران و مجموعه کوهسنگی مشهد. اونجا با موجودات اسرارآمیزی بنام مهندسین معمار آشناشدم و خیلی مشتاق اینکه منم یکی از اونا باشم، آدمهایی با ذهن و مدادهایی جادویی!

همون موقع ها انجمن سینمای جوان عکاسی یادگرفتم، با یه دوربین SLR ارزون قیمت و فیلم سیاه و سفید مشغول تجربه عکاسی شدم که هنوز ادامه داره. البته الان سالهاست به اونایی که دلشون هوای عکاسی کرده، اصول اولیه رو یاد میدم و برای اونایی که از کارم راضی بودن عکاسی میکنم. صنایع، جواهر، خود آدما و ...

دانشگاه علم و صنعت ایران، طراحی صنعتی خوندم و مسیر زندگیم تدریجا تغییر خیلی خوبی کرد

ترجیح دادم طراحی باشم که با هر موضوعی درگیر میشه و میتونه نتیجه خوبی از کارش بگیره! البته راستش، توی دانشگاه و تحصیل دیزاین خود "روند دیزاین" برام بیشتر از نتیجه اون دلچسب و لذتبخش بود

این شد که از طراحی پنل کنترل برج مراقبت فرودگاه، تا ویلچیر بسکتبال و بدنه هواپیما و ... طرح کردم تا خودرو و زیورآلات و ... و این آخری "ماشین شستشوی پله های برقی" که شد یه اختراع که تو دانشگاه علم و صنعت ایران درحال ساختنش هستیم

طراحی طلا و جواهر و تجربه کردم و آموزشی براش ندیدم، ولی یه دوره رو نزد پروفیسور "فابیو کامارنا"ی ایتالیایی گذروندم و از آکادمی داموس بهمون گواهی دادن! البته بهر حال من دیزاین خوندم و با اصول اون آشنا هستم

از طراحی (دیزاین) لذت میبرم و ورق های دفترچه ای که همیشه با یه خودکار بیک همراهم هر روز از ایده ها و طرحام پر میشه که دوستشون دارم

هر روز و همه جا اسکچ میکنم و دلبسته کاغذ و مدادای ام!

و به دیگران هم توصیه میکنم یادش بگیرن و تجربش کنن، مطمئنم خوشحالتتر زندگی خواهند کرد

سالهاست بعنوان طراح گرافیک، طراحی کارهایی مثل جلد کتاب و ژورنال های علمی، نشان و ... لابلای کارهام انجام میدم

دیگه میتونم بگم که چندسالیه کاراته تمرین میکنم و خیلی از تمرینش راضیم و لذت میبرم و مدتی به افراد علاقمند تو دانشگاهمون (علم و صنعت ایران) آموزش میدم

از زندگی حس خیلی خوبی دارم و از آدما نمیدونم اونام از من حس خوبی دارن یا نه، گمان کنم دارن!

چیزایی که دلم میخواد حتما تجربشون کنم، طراحی لباس و معماریه، گمان کنم خیلی هیجان انگیز و لذتبخش باشن

البته نقاشی رو هم دلم میخواد تجربه کنم، مخصوصا آبرنگ

تو زمینه طراحی طلا و جواهر هم چندساله که طرح میکنم و به هنرجوهای علاقمندم از مسیر تجربه هایی مشترک، قابلیت های طراحانه شون رو از راه آشنایی با اصول دیزاین و حل عملی مسئله های طراحی، نشون میدم

بشدت معتقدم قابلیت و فرصت بزرگی تو این زمینه پیش رومونه و میتونیم با برنامه ریزی درست بخوبی ازش برای حل بخشی از مشکل بیکاری، توسعه صادرات و ... استفاده خوبی بکنیم

و آخر اینکه آگه کسی ازم بپرسه حرفه من چیه، بهش میگم: باید برات توضیح بدم ...

تهران - خرداد ۱۳۹۶